

و اینها را در این کتابها که در دسترس است، مطالعه کنید. و اگر در این باره سوالی دارید، با ما در میان بگذارید. ما در این باره به شما کمک خواهیم کرد. و اگر در این باره سوالی دارید، با ما در میان بگذارید. ما در این باره به شما کمک خواهیم کرد.

بحثی از قرآن در باب عقاید و اخلاق

بسم الله الرحمن الرحيم
 در این کتاب، ما سعی کرده ایم تا به شما در مورد عقاید و اخلاق اسلامی، که در قرآن کریم بیان شده است، آشنایی بیشتری بدهیم. این کتاب را می توانیم به عنوان یک راهنما برای کسانی که می خواهند با قرآن عمیقتر آشنا شوند، در نظر بگیریم.

دین

از نظر قرآن

شاید در بین مسلمانین کمتر کسی باشد که باقرآن سر و کار نداشته باشد؛ و هر کس باقرآن سر و کار دارد و آنرا میخواند؛ در هر صفحه بلکه در هر سطر بیک مطلب اعتقادی یا اخلاقی یا اجتماعی، خلاصه مسائلیکه در زندگی بشر بسیار از چیدار و سودمند است بر میخورد. متأسفانه چیزیکه کمتر دیده میشود دقت و پیروی از این مسائل ارزنده است مسلماً اگر بود، بدیختی و بی سردیامانی امروز در بین ملل اسلامی وجود نداشت، درقرآن آیات بسیاری است که راجع بماهیت دین و هدف و علل پیدایش آن و احتیاج انسانها نسبت بآن بحث می کند. واضح است اینها مسائل مهم و از چیدار است، که تاریخشان با تاریخ پیدایش بشر شروع شده و افکار را بخود جلب نموده است. بیساختار و بیهدف و بیسود و بیفایده و بیثمر است. هرچند خدمت و نقش مؤثر دین در تاریخ بشریت در ایجاد تمدنها و رهبری اجتماعات و تعلیم فضائل اخلاقی و و غیر قابل انکار بنظر میرسد. بطوریکه مانند «ارانی» هم در «سیکولوژی عمومی» اعتراف باین حقیقت نموده است. آنجا که میگوید: «اغلب اشخاص سطحی و بی فکر که دنیای امروز را می بینند بدون فکر عمیق

مذهب را عامل فاسد میدانند و بعضی از اوقات هم عقیده دارند که مذهب نبود جامعه بشری بیشتر ترقی کرده بود این ادعا را فقط از اشخاص سطحی میتوان توقع داشت و مذهب مانند سایر تجلیات مهمه روح در تاریخ بشر کار مخصوص راعمه دار شده و چون تاریخ وجود را ايجاب مینموده است بظهور رسیده است ، اما در عین حال ما بی نیاز از بررسی در این موضوع نیستیم .

خصوصاً با وجود حرفهائی که در اطراف دین گفته شده و میشود . و سؤالات گوناگونی که در این باره مطرح میگردد از قبیل اینکه : « آیا منطق دینی بالاتر از منطق عاطفی و بائین تر از منطق عقلیست ؟ » چنانکه « گوستاو لوبون » در « آراء و عقائد » قابل شده است . و « آبا تعلیمات و مطالب دینی تنها برای انسانهای نیمه وحشی مفید و سودمند است و دیگر روزگار دین سپری شده است و باید بشر متمرد بنفوذ و سلطه دین در امور اجتماعی ، سیاسی ، حقوقی ، اقتصادی خاتمه دهد » چنانکه این فکر پس از انقلاب فرانسه در بعضی از کشورهای شد گرفت و پیروانی پیدا کرد بالزقیل اینکه « آبا دین و دانش باهم تضاد دارند ؟ و آبا منشأ دین زبونی و عجز بشر در مشکلات زندگی بوده است ؟ در چه بشر کرده مشکلات را با انگشت علم و صنعت باز کند بهمان نسبت ارزش دین کاسته میشود ؟ » و مانند اینها .

چون عقیده شخص در این مسائل هر چه باشد رابطه مستقیم با وضع زندگی او خواهد داشت لازم است در مقام قضات تحقیق بیشتری شود ، و چون بررسی این مسائل احتیاج شدیدی به بیان ماهیت دین دارد ناچار پیش از همه چیز باید بدان بپردازیم .

ماهیت دین

همه میدانیم دین عبارت از داخل شدن در جمعیت های مذهبی و در ظاهر خود را بسلك پیروان يك آئین قرار دادن نیست ؛ و نیز میدانیم دین تنها يك سلسله مراسم و تشریفات ظاهری که اگر کسی آنها را بجا آورد بطور معجز آسا از همه کمراهیها نجات

نیاید تمییز باشد چنانکه میدانیم دین تنها یک سلسله مطالب علمی و عرفانی هم نیست که با خواندن و یاد گرفتن آنها شخص متدین گردد. پس دین چیست؟

در شناسایی حقیقت دین نظریه‌های مختلف از دانشمندان شرق و غرب نقل شده است گذشته از اینکه در بیشتر آنها پیچیدگیها و ابهامی دیده می‌شود که بقول «جان ر. ایورت» ممکن است با هوشترین و واردترین افراد هم دچار اشتباه شده و از آن سردر نیارند هیچکدام درست یا کامل بنظر نمی‌رسد، مثلاً «برتراند راسل» نویسنده معروف انگلیسی می‌گوید «دین کوششی است برای کاستن وحشتی که از قوای نابود کننده در انسان ایجاد می‌شود» و «فرید» روانشناس اتریشی می‌گوید: «دین عبارت است از کوششیکه بوسیله آن انسان می‌خواهد عالم حواس را بواسطه عالم اراده و آرزو تسخیر کند این دو بیان علاوه بر ابهامیکه دارند دین را وسیله رسیدن به هدف مادی معرفی میکنند

شاید بعضی از نویسندگان شرق که دین را شناختن «معنی جهان و زندگی و زیستن با آیین خرد میدانند تقلید و تبعیت از این افکار کرده‌اند.

بروینسور «اس» آمریکائی دین را عبارت از ادراک و احساس مهم‌ترین نوا میس و فضائل اجتماعی میدانند از «کانت» نقل شده است که «دین شناختن تکالیف بشری بصورت اوامر الهی است» «تولستوی» می‌گوید: «دین بگونه‌ای است در میان شخصیت بشری و عالم بیکران و مبدأ اصلی آن که انسان برای خود تشخیص می‌دهد».

باز هیچکدام از اینها و صدها نظائر آن واقعیت دین را بطور روشن و جامع برای بیان نمی‌کنند و شاید بیش از این هم نباید متوقع داشت. اینها که دانشمندان علم الاجتماع یا روانشناس یا نویسنده متفکری محسوب میشوند طبعاً از دریچه علمی که رشته تخصصی آنهاست بدین نگاه می‌کنند و فقط از آن نظر دین را مورد بررسی قرار می‌دهند و بجنبه‌های دیگر کمتر توجه میکنند یا اصلاً توجه نمی‌کنند شاید غالباً یک محیط کوچک دیده اند و می‌خواهند اقصای عمومی کنند. پیداست

که این روبه چه اشتباهات بزرگی را بار میآورد. دلیل روشن این مطلب اختلاف زیاد است که در گفته‌های آنها بچشم میخورد. مثلاً اگر آن دو نظریه‌آورد را با این بیان که یکی از نویسندگان بزرگ گفته است که «دین عبارت است از شناختن و نگه‌داشتن ارتباط انسان با آفریدگار» بسنجیم، هیچ شباهتی در بین آنها نمی‌بینیم.

بعقیده ما اگر بخواهیم در این مورد بیان صریحتر و روشتر داشته باشیم؛ در عین حال صد در صد با حقیقت هم تطبیق کند باید از آنهایی که بنیان‌گذاران دین در اجتماعات بشری هستند و تشکیلات دین را آنها برپا کرده‌اند بپرسیم. لذا گفته‌های قرآن را که تنها کتاب دست‌نخورده آسمانیست از جاهای مختلف آن نقل میکنیم.

گفته قرآن

در سوره آل عمران آیه ۱۹ میفرماید «ان‌الدین عند الله الاسلام» دین (درست) در نزد خدا سرفرو و آوردن در پیشگاه عظمت اوست و نیز در همان سوره آیه ۸۵ میفرماید «ومن یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» هر کس غیر از تسلیم بخدا کیش دیگری را پیروی کند از او پذیرفته نخواهد شد و در روز جزا از زبان کاران خواهد بود.

قرآن در این دو جمله کوتاه واقعیت دین را بطور روشن بیان می‌کند و آن تسلیم کامل بشر بخداوند است. البته شخصیکه خود را تسلیم خدا کند باید در مقام پرستش و بندگی از شرک و بت پرستی اجتناب ورزد اعمال خود را با مقررات الهی و موازین خرد تطبیق دهد و این همان ملت حنیف و آمین پاک ابراهیم است که در سوره نساء آیه ۱۲۵ - بآن اشاره شده «ومن احسن دیناً من اسلام وجهه لله و هو محسن و اتبع مله ابراهیم حنیفاً» کیست که آمین ادبتر باشد از دین کسی که خود را تسلیم حکم خدا کرده و فرمان او سرفرو آورد و نیکو کار باشد و پیروی آمین ابراهیم کند که از باطل توجه بحق کرد

و از کاغذ راهی دوری جست. بابک، امام علیه السلام، در این باب علی بن ابی طالب را به ابراهیم ع یکی از برادر هجرت در دعوت کندگان بتوحید است دلی معلومان امامینان دلبریز از خدا شناسی داشت در راه بکتاب پرستی در آغوش آتش سوزان بجای گرفت و از آن نجات یافت و از عهد بزرگترین و سختترین آزمائش به بهترین وجه برآمد. داستان شیرین بخشهای ادرا بابت برستهای بابل و منطق قوی و نیز و مندرش را در استلال با ستاره بر ستان حر آن خداوند در قرآن در سوره انبیاء و بقره توضیح میدهد. سوره بقره ۱۰۶
 به همین جهت در قرآن در آیات زیادی از توحید و بکنایه سنی بملکه ابراهیم تعبیر شده است چنانچه در سوره انعام آیه ۷۶ - میفرماید: «قل اننی هدائی ربی الی صراط مستقیم دیناً قیماً ملکه ابراهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین قل ان صلوتی و نسکی و منجیای او معاتنی لله رب العالمین» بگو پروردگارا من، مرا بر راه راست که دین استوار است هدایت فرموده و آن آئین پاک ابراهیم است که از شرک و بت پرستی دور بود. بگو نماز و پرستش و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است. سوره انعام ۱۰۶
 از این آیات و آیات دیگر از قبیل آیه ۹۴ - از سوره بقره، و آیه ۳۸ - از سوره یوسف، و آیه ۵۴ - از نحل، و آیه ۱۵ - از زمر، و آیه ۳۰ - از اعراف، و آیه ۱۴ - از مؤمن، استفاده میشود که حقیقت دین در منطق قرآن تسلیم بشر در پیشگاه با عظمت خداست و این جز با شناختن پروردگار جهان و بر ممتش خالص او و انجام کارهای نیک بر طبق مقررات الهی و و ازین خرد ممکن نیست.

اگر مادر شناخت حقیقت دین بهمین گفته قرآن که کاملاً صریح و قابل فهم است توجه کنیم هم در دردک مطلب گرفتار ابهام و اشتباه نمی شویم و هم در تطبیق بر واقعیت تردید و شک پیدا نمیکنیم و چون از بنیان گذاردن گرفته شده است میدانیم در تفسیر، تفسیر غلط و ناروا ننکرده ایم. سوره ابراهیم ۳۶
 * * *

